



ابو طالب عبد اللهی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

چکیده

از آنجایی که انسان موجودی است با ویژگی‌های بسیار پیچیده که شناخت پیچیدگی‌های آن دشوار بوده و تعیین مصادیق هر یک از ویژگی‌های انسان در شرایط مختلف، کاری بس مشکل می‌باشد. از طرف دیگر انسان در زندگی فردی، گروهی و اجتماعی خود تلاش می‌کند به هدف یا هدف‌های مورد نظر دست یابد، یکی از مؤلفه‌های قطعی تحقق اهداف، استقامت و پایداری است. نقش استقامت در زندگی بشر به حدی است که می‌توان گفت بدون آن هیچ ثمره و نتیجه‌ای بدست نمی‌آید. زیرا استقامت سرمایه معنوی جهت پیشرفت‌های مادی و تکامل معنوی است. در این مختصر برای بررسی استقامت پیامبر اعظم (ص) خود را به چشمه فیاض و نورانی قرآن کریم می‌رسانیم تا رهنمودهای خداوند علیم و حکیم را در این باب بجویم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که آیات قرآن مجید درباره صبر و استقامت در راه خدا به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود. آیات عمومی صبر، برای اهل ایمان و آیات خاص صبر، ویژه پیامبر (ص)، که در برگزیده ده آیه می‌باشد.

کلید واژه ها: استقامت، پایداری، صبر، تداوم یا ثبات قدم.

مقدمه

استقامت و پایداری حالتی است که هر فرد در مسیر زندگی خود در شرایط و حالات مختلف جهت دست یابی به اهداف مورد نظر آن را به کار می بندد. وبادقت عقلی و علمی روشن می شود که استقامت جان مایه بسیاری از موفقیت های فردی و اجتماعی بوده و دارای ابعاد گسترده ای است که می توان آن را به دو دسته موضوعی و محتوایی تقسیم کرد:

دسته اول در برگیرنده موضوعات گوناگون و مبتلا به زندگی بشری است مانند: استقامت نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و مانند آن؛ و دسته دوم در برگیرنده مفاهیم ارزشی است؛ همچون عقاید و جهان بینی، اعمال و رفتار و اخلاق فردی و اجتماعی که موجب بروز و ظهور نتایج خاص هر یک از مفاهیم ارزشی می باشد. نکته مهم و اساسی این است، که ابعاد دوگانه استقامت به صورت متحد و پیوند یافته عمل می کنند و در حقیقت در مقابل یکدیگر نبوده و نافی هم نمی باشند. به عبارت دیگر فرد یا جامعه براساس جهان بینی و عقاید خود در موضوعی پایداری می کنند. بررسی زندگی پیامبر (ص) نشان می دهد که ایشان از بهترین و کامل ترین صفات الهی و انسانی برخوردار بودند، که ادراک و تبیین آن بر ما دشوار است. اما با نگاهی به قرآن و عترت آشکار می شود که پیامبر با استقامت کیفی خود از نظر عمق، وسعت و استمرار، و استقامت کمی خود از نظر دفعات و موضوعات، تابلوی زیبایی از استقامت نبوی را ترسیم نمودند تا در همه عصرها و نسل های امت اسلامی و بشریت الگویی بی نقص باشند. صبر و استقامت پیامبر (ص) بیانگر پایداری در قبال حوادث سخت، مشکلات و گرفتاریهای متعدد در راه رسالت های الهی بود. دشمنان لجوج، قصد نابودی ایشان را داشتند، سنگسارش می کردند، محاصره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر علیه ایشان به راه انداختند، یارانش را تا سر حد مرگ و حتی برخی را به شهادت می رساندند، ایشان را ساحر و گاه دیوانه اش خواندند، خاکستر بر سرش می ریختند، توهین و تحقیر و جنگ روانی به راه می انداختند، تا این که دست از دعوت خویش بردارد. اما پیامبر عظیم الشان

در قبال همه گرفتاری‌ها و مشکلات، صبر و استقامت را پیشه خود قرار دادند تا سرانجام طعم شیرین پیروزی را چشیدند تا مکتب نورانی اسلام نه فقط در سرزمین عربستان بلکه شرق و غرب عالم را فرا گیرد، و اسطورهٔ صبر و استقامت و الگوی همیشه جاوید مقاومت و پیروزی گردد.

مفهوم شناسی استقامت

در مفهوم شناسی استقامت، شناخت مفاهیم سه گانه لغوی، واژه‌های هم‌تراز و مترادف و اصطلاحی مد نظر است، که در فرهنگ ادبیات فارسی و فرهنگ ادبیات قرآنی مورد اطلاق قرار می‌گیرد.

مفاهیم لغوی: پایدار؛ پایدار و استوار، پابرجا، جاویدان، ثابت و باقی، معنی کرده‌اند و صبر را به معنی شکیبایی و بردباری کردن آورده‌اند.^۱ به طوری که راغب و دیگران گفته‌اند:

کلمهٔ «قام»، «ثبت» و «رکز» به یک معنی است. ظاهراً ریشهٔ این لغت از قیام آدمی گرفته شده است... اشتقاق دیگر این ماده که استقامت باشد، معنایش طلب قیام از هر چیز است و معنای آن استقامت در طریق دین است. و آن این است که کوتاه‌ترین خط میان ما و هدف باشد و علاوه روشن باشد و ما را دچار تردید نسازد و به بی‌راهه نیندازد.^۲

واژه‌های هم‌تراز: در بررسی واژه‌های مترادف استقامت، واژه‌هایی همچون پایداری، صبر، بردباری و ثبات قدم دیده می‌شود، که مجموع این مفاهیم یک حقیقت را تعقیب می‌کند و آن ایستادن و باقی ماندن بر مساله‌ای، تا رسیدن به اهداف و نتایج مورد نظر می‌باشد.

مفاهیم اصطلاحی: استقامت، همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات الهی است.^۳

استقامت و صبر معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می‌شود و هم صبر در برابر انگیزه‌های معصیت و هم در برابر مصائب و حوادث ناگوار و از دست دادن نیروها و سرمایه‌ها و ثمرات آنها را.^۴

استقامت آدمی در یک کار این است که از نفس خود بخواهد که درباره آن امر قیام نموده آن را اصلاح کند، به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد... و اقامه کردن نفس در هر امری به معنای استقامت آن در آن امر است یعنی خواستن از نفس است به اینکه آن امر را اقامه کند.^۵

استقامت، تطبیق دادن عمل است با روح دین و کرامتی که خدای تعالی پاره‌ای از مخلصین بندگان خود را به آن تخصیص داده است. تا اینکه با: **مع النبیین والصدیقین و الشهداء وحسن اولئک** . (نساء، ۶۹/۴) باشند.^۶

استقامت پیامبر (ص) در قرآن

به نظر می‌رسد شناخت استقامت پیامبر (ص) در قرآن کریم، بهترین نوع شناخت‌ها باشد. زیرا شناختی است که خداوند سبحان حکیم در این باره به ما می‌دهد و تبیین موضوعات و محتوای استقامت پیامبر (ص) در شرایط و وضعیت‌های مختلف از دیدگاه قرآن اطمینان بخش‌تر و دقیق‌ترین نوع تبیین‌هاست.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که آیات قرآن مجید درباره صبر و استقامت در راه خدا به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: دسته اول که مربوط به اهل ایمان است و می‌توان آنها را آیات صبر به صورت عام تلقی کرد؛ و دسته دیگر آیات مربوط به انبیای الهی خاصه نبی مکرم اسلام (ص) می‌باشد. در این مختصر آیات مربوط به دسته دوم را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آیه اول: صبر در عدم درخواست عذاب

فاصبر كما صبر أولو العزم من الرسل ولا تستعجل لهم كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفاسقون . (احقاف، ۳۵/۴۶)

پس صبر کن آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای (عذاب) آنان شتاب مکن، هنگامی که وعده‌هایی را که به آنها داده می‌شود ببینند (احساس می‌کنند که) گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند، این ابلاغی است برای همگان آیا جز قوم فاسق هلاک می‌شوند؟!!

تحقق رسالت عظیم انبیاء خاصه نبی مکرم اسلام (ص) با انواع مخالفت ها، توطئه ها، آزارها، جنگ های روانی، فشارهای گوناگون و گرفتاری های متعدد مخالفین و معانیدن مواجه بوده است؛ تا جایی که این آزارها، شخصیت بی نظیری همچون انبیا که دریای رحمت و مهربانی بودند را به ستوه آورده و از هدایتشان مأیوس می شدند و از خداوند برایشان عذاب طلب می کردند، چون کفار به جهت عناد و اصرار آنچه پیغمبر (ص) می گفت در باب معاد و غیر آن، انکار می کردند، و به جهت این، غبار غم بسیار، بر خاطر عامر سید مختار می نشست و به سبب ایذاء و آزار مضطرب می گشت، از این جهت حضرت آفریدگار او را به ثبات قدم و اصطبار امر فرمود.^۷

امر خداوند به رسول خاتم (ص)، همراه و همانند می شود به صبر پیامبران گذشته که همچون پیامبر اسلام (ص) گرفتار معاندین بودند. لذا به ایشان خطاب می آید: صبر کن همچون پیامبران «اولوالعزم»، تا به مقصود خود نائل آیی.

تنها تو نیستی که با مخالفت و عداوت این قوم مواجه شده ای، همه پیامبران «اولوالعزم» با این مشکلات روبرو بودند و استقامت کردند. نوح (ع) پیامبر بزرگ خدا ۹۵۰ سال دعوت کرد اما جز گروه اندکی به او ایمان نیاوردند، پیوسته آزارش می دادند و به سخریه اش می گرفتند. ابراهیم (ع) را به میان آتش افکندند و موسی (ع) را تهدید به مرگ کردند و قلبش از نافرمانی های قومش پر خون بود و عیسی (ع) را بعد از آزار بسیار می خواستند به قتل برسانند که خداوند نجاتش داد.^۸

صاحب تفسیر گرانقدر المیزان درباره این آیه چنین نگاشته است:

این آیه ترفیع و نتیجه گیری از حقایق معاد است که هم حجت عقلی بر آن دلالت دارد و هم خدای سبحان از آن خبر داده و شک و تردید را از آن نفی کرده است و معنایش این است که: تو در برابر انکار این کفار، صبر کن و از اینکه به معاد ایمان نمی آورند حوصله به خرج ده، همان طور که رسولان اولوالعزم چنین کردند و در طلب عذاب برای آنان عجله مکن که به زودی آن روز را با عذاب هایی که دارد دیدار خواهند کرد، چون روز قیامت خیلی دور نیست، هر چند که ایشان آن را دور می پندارند. در این آیه خدای سبحان پیامبر گرامی اش را دستور می دهد که صبر کند همچنان که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و این خود اشاره به این

معناست که او نیز از اولوالعزم است پس باید مانند آنان صبر کند و معنای عزم در اینجا یا صبر است همچنانکه بعضی از مفسران گفته اند، و به آیه ولمن صبر و غفر إن ذلك لمن عزم الامور (شوری، ۴۲ / ۴۳) ولقد عهدنا إلی آدم من قبل فَنَسِيَ ولم نجد له عزماً (طه، ۲۰ / ۱۱۵)، به آن اشاره دارد و یا به معنای عزیمت یعنی حکم و شریعت است. و بنابر معنای سوم که حق هم همان است و در روایات ائمه اهل بیت (ع)، به این معنا تفسیر شده، صاحبان حکم و شریعت پنج نفرند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص) برای اینکه قرآن صاحبان شریعت را همین پنج نفر دانسته و می فرماید: شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی أوحینا إلیک وما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی. (شوری، ۱۳/۴۲)^۹

بنابراین زندگی پیامبران بزرگ خدا - خصوصاً پیامبر اسلام (ص) - بیانگر مقاومت بی حد و حصر آنها در برابر حوادث سخت و طوفان های شدید و مشکلات طاقت فرسا است و با توجه به این که مسیر حق، همیشه دارای این گونه مشکلات است، رهروان راه حق باید از آنها در این مسیر الهام بگیرند. روزهای سختی بر پیامبر (ص) گذشت، دشمنان لجوج برای نابودی او کمر بسته بودند و حتی خویشاوندان نزدیکش در صف اول مبارزه قرار داشتند، پیوسته به میان قبایل عرب می رفتند و از آنها دعوت می کردند اما کسی به دعوت ایشان پاسخ مثبت نمی داد، سنگسارش می کردند آن چنان که از بدن مبارکش خون می ریخت. آن چنان ایشان را در محاصره اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار می دادند که تمام راهها به روی وی و پیروان اندکش بسته شد، بعضی از گرسنگی تلف شدند و بعضی را بیماری از پای در آورد، یاران اندکش را شکنجه های سخت می دادند، ساحر و دیوانه اش می خواندند، خاکستر بر سرش می ریختند و... اما با تمام این احوال، صبر و استقامت را که امر خداوند بود به بهترین وجه ممکن به انجام رسانید.^{۱۰}

صبر و استقامت بر پیروان پیامبر، خصوصاً رهبران اسلامی یک فریضه است تا از الگوی بی بدیل و حسنه پیامبر خاتم (ص) سود جویند. امام علی (ع) چنین ما را هدایت فرمودند:

صبر و استقامت بر رهبران و زمامداران فریضه است، زیرا خداوند به پیامبرش فرموده: فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل. و همین معنی را بر دوستان و اهل طاعتش نیز فرض

کرده است، چرا که می گوید برای شما در زندگی پیامبر (ص) تاسی نیکویی بود، و شما نیز باید همگی به او اقتداء کنید. ۱۱

آیه دوم: صبر در برابر تکذیب مخالفین

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتاهم نصرنا ولا مبدل

لکلمات الله ولقد جاءک من نباء المرسلین . (انعام، ۶ / ۳۴)

پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند و در برابر تکذیب ها صبر و استقامت کردند. (و در این راه) آزار دیدند تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید (تو نیز چنین باش و این از سنت های الهی است) و هیچ چیز نمی تواند سنن خدا را تغییر دهد و اخبار پیامبران به تو رسیده است.

از جمله شیوه های معاندین و مخالفین پیامبران خاصه پیامبر اعظم (ص)، تکذیب و نفی خورشید حقیقت وجود انبیا و پیام های آنان بوده است تا حدی که لجاجت و سرسختی مشرکان در تکذیب انبیا باعث حزن ایشان می شد. این حقیقت در آیه قبل از آیه فوق، چنین مطرح شده است:

قد نعلم انه لیحزنک الذی یقولون فإنهم لا یکذبونک ولكن الظالمین بایات الله

یجحدون . (انعام / ۲۳)

می دانیم که گفتار آنها تو را غمگین می کند ولی (غم مخور و بدان) آنها تو را تکذیب نمی کنند بلکه ظالمان، آیات خدا را انکار می نمایند.

شک نیست که پیامبر (ص) در گفتگوهای منطقی و مبارزات فکری که با مشرکان لجوج و سرسخت داشت. گاهی از شدت لجاجت آنها و عدم تأثیر سخن در روح آنان و گاهی از نسبت های ناروایی که به او می دادند. غمگین و اندوهناک می شد، خداوند بارها در قرآن مجید پیامبرش را دلداری می داد تا با دلگرمی و استقامت بیشتر، برنامه خویش را تعقیب کند، از جمله در آیه مذکور (قد نعلم انه لیحزنک...). ۱۲

آیه ۳۵ سوره انعام: ولقد کذبت... مبنی بر تسلیت خاطر رسول گرامی (ص) و ابرام عزیمت او است که درباره بناگذاری مکتب قرآن و دعوت جامعه بشر به دین اسلام از هیچ سعی و اقدامی دریغ ننماید. به این منظور سرگذشت پیامبران را یادآوری فرموده به اینکه روش آنان، دعوت بشر به توحید و ترک شرک بوده است و طبع بشر بر مبارزه با دعوت

آنان است ولی پیامبران با کمال سعی و به کار بردن معجزاتی که در اختیار داشته با صبر و شکیب به وظیفه دعوت قیام نموده اند. پروردگار نیز آنها را در این مرام کمک فرموده و از مساعی آنان سپاس گذارده تا آنجا که ندای پیامبران و دعوت مردم جهان به خدا پرستی در اقطار عالم طنین انداخته و تا حدی آیین شرک از دل های مردم محو شده و زمینه آماده است که مکتب عالی توحید خالص و قرآن بنا گذارده شود: **و لا مبدل لکلمات اللّٰه ولقد جائک من نبأ المرسلین** (انعام، ۶/ ۳۴) کلمه، عبارت از سیره، حکمت و تدبیر است که نظام جهان بر آن استوار می باشد، تدبیر پروردگار درباره تعلیم و دعوت بشر به توحید و سعادت، تغییر و استثناء پذیر نیست و از جمله وظیفه پیغمبران تا حد امکان دعوت مردم است به خدا پرستی و فضیلت اخلاقی و در این بار عذری از آنان پذیرفته نیست و از جمله تدبیر آن است که بشر به طور اختیار به دعوت پیامبران پاسخ دهد... و نیز وعده فرموده که پیامبران را در انجام وظیفه دعوت یاری فرماید و دلایل آنان را آشکار فرموده بر دشمنان ظفر یابند. این خلاصه ای از تدبیر درباره اعزام پیامبران است برای دعوت مردم به توحید که تغییر و یا استثناء پذیر نخواهد بود. ۱۳

امام صادق (ع) درباره آیات مورد بحث فرمودند:

به خدا قسم، ستمکاران آیات خدا را تا آخرین حد امکان تکذیب نمودند.

همچنین ایشان فرمودند:

صبر بر شدائد و مکاره، مراتبی دارد بعضی از آنها صبر اندک است و بعضی از جزع و زاری نیز کمتر است و فرمود بر تو باد بر صبر و بردباری در تمام شئون زندگانی خود زیرا خداوند، محمد (ص) را که به رسالت فرستاد او را امر به صبر نموده و فرمود:

و اصبر علی ما یقولون و اهرهم هجرأ جمیلا. (مزمل، ۷۳ / ۱۰) و فرمود: اذفع بالتی هی احسن فاذا الذی ینک و بینه عداوة کانه ولی حمیم (فصلت، ۴۱ / ۳۴) به طوری که سینه مبارکش خسته شد و این آیه نازل شده: **و لقد نعلم أنك یضیق صدرک بما یقولون** (حجر، ۱۵ / ۹۷) و به این اندازه قناعت نکردند، حضرتش را تکذیب و از بالای کوه به زیر انداختند و سخت مخزون گردید که این آیه: **قد نعلم انه لیحزنک** (انعام، ۶ / ۳۳) نازل شد و پیغمبر اکرم (ص) خود را ملزم به صبر

فرمود و چون خداوند فرمود قومت ترا تکذیب می کنند عرض کرد خداوندا در نفس خود و اهل بیت و عرضم صبر می کنم اما طاقت گفتار آنها را ندارم، آنگاه این آیه نازل شد: **فاصبر علی ما یقولون (ق، ۳۹/۵۰)** در تمام احوال صبر کن و به ائمه از عترت بشارت بده و توصیه و سفارش صبر به آنها بنما پس فرمود: **وجعلنا منهم ائمة یتهدون بأمرنا لما صبروا وکانوا بایاتنا یوقنون (سجده، ۳۲ / ۲۴)**. در این مورد است که حضرت صادق (ع) فرمود: **صبر نسبت به ایمان مثل سر است نسبت به بدن**. پیغمبر اکرم (ص) سپاسگذاری خداوند را بجا آورد، این آیه نازل شد: **و تمت کلمة ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا و دمرنا ما کان یصنع فرعون وقومه وما کانوا یعرشون (اعراف، ۷ / ۱۳۷)** رسول اکرم (ص) فرمود؛ **یک آیه است هم بشارت می باشد و هم انتقام**.^{۱۴}

خلاصه اینکه همیشه رهبران صالح اجتماع که برای هدایت توده های مردم به وسیله ارائه مکتب و طرح های سازنده با افکار منحط و خرافات و سنن غلط به پا می خواستند با مخالفت سر سختانه جمعی سود جو و زورگو که با پروبال گرفتن مکتب جدید، منافعشان به خطر می افتاد، روبرو می شدند. آنها برای پیشرفت مقاصد شوم خود از هیچ کاری ابا نداشتند و از تمام حربه ها (حربه تکذیب، تهمت، محاصره اجتماعی و اقتصادی، آزار و شکنجه، قتل و غارت) و هر وسیله دیگر استفاده می کردند. اما حقیقت، با جاذبه و کشش و عمقی که دارد سرانجام - طبق یک سنت الهی - کار خود را خواهد کرد و این خارهای سر راه برچیده خواهند شد، اما شک نیست که شرط اساسی این پیروزی بردباری و مقاومت و استقامت است.^{۱۵}

آیه سوم: صبر در عقوبت ستمگران با رعایت عدالت

وإن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین . (نحل، ۱۶ / ۱۲۶)
و اگر کسی به شما عقوبت و ستمی رسانید شما باید بقدر آن، در مقابل انتقام کشید (نه بیشتر) و رسم عدالت را از دست ندهید و اگر صبوری کنید و از او درگذرید البته اجر صابران بهتر (از انتقام) خواهد بود.

حمزه بن عبد المطلب با شهامت و شجاعت خود خدمت بزرگی به اسلام کرد و در

آن دوران که پیامبر (ص) و مسلمین در مکه در اقلیت بودند و در برابر دشمنان نیروی متشکلی نداشتند و مشرکان در استهزاء و آزار پیامبر (ص) می کوشیدند. با گرویدن حمزه به اسلام، دشمن به وحشت افتاد و جبهه اسلام نیرومند گردید و در مقابل کلام حمزه «که از امروز من حامی برادر زاده خود هستم»، دشمنان سرشکسته شدند و جرأت تعرض نسبت به پیامبر (ص) نیافتند. رشادت های حمزه در نبردهای بدر و احد نیز از اوراق پر افتخار تاریخ جهاد و مجاهدان اسلام است و سرانجام شهادت دلیرانه و پراخلاص او در عرصه احد او را به لقب «سید الشهداء» در گفتار پیامبر (ص) نایل ساخت. ۱۶

حمزه با داشتن چنین جایگاه والایی در نزد پیامبر اعظم (ص)، وقتی به شهادت رسید و بعد از شهادت به دست کفار قریش و هند جگر خوار، مثله شد تا به حدی که در پای پر مهر و رأفت پیامبر (ص) به خروش آمد و فرمودند که آنان را مثله می کنم. بر این اساس بود که وحی نازل شد، ای پیامبر (ص) در این باره هم صبر پیشه کن، که حضرتش با جان و دل پیام الهی را پذیرفت و به کار بست.

امام صادق (ع) فرمودند:

وقتی رسول خدا (ص) دیدند که (کفار قریش در جنگ احد) بر سر جنازه حمزه چه آوردند گفت: خدایا حمد مخصوص تو است و شکایت هم به سوی تو است و تویی یاور بر آنچه من می بینم. آنگاه فرمود: اگر قدرت به دستم بیفتد و بر دشمن ظفر پیدا کنم مثله اش می کنم و مثله می کنم و مثله می کنم. در اینجا بود که این آیه نازل شد: و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل... (نحل/۱۲۶) رسول خدا (ص) عرض کرد: پروردگار صبر می کنم، صبر می کنم. ۱۷

آیه چهارم: صبر بر گفتار مخالفین

اصبر علی ما یقولون و اذکر عبدنا داود ذا الاید انه اواب (ص، ۱۷/۳۸)

(ای رسول ما، اکنون) تو بر سخنان (طعن و سخریه) آنها صبر کن (که روزی به کیفر خود می رسند) و از بنده ما داود یاد کن که (در اجرای امرها) بسیار نیرومند بود (از احدی اندیشه نداشت) و دایم به درگاه ما توبه و انابه می کرد.

از شیوه های مخالفین انبیای الهی، جنگ روانی بود که تا کنون نیز این شیوه تداوم

یافته است. و از مصادیق جنگ روانی سخنان تمسخر آمیز و استهزاء گونه است تا بتوانند شأن و منزلت انبیای الهی و پیروان جبهه حق را در نزد افکار عمومی کاهش داده و مردم را از پیروان آنان دور کنند. براین اساس و با این شیوه تلاش می کردند انبیای الهی را خسته کرده و در شرایطی قرار دهند که نتوانند رسالت خویش را به انجام رسانند.

خداوند سبحان به پیامبر اعظم (ص) مطابق آیه فوق پیام می دهد که بر گفتار نادرست آنان صبر پیشه کن و در این باره داود پیامبر (ص) را به یاد آور که در عین حال که دارای قدرت عظیم بود، در مقابل استهزاء مخالفین خود صبر پیشه می کرد، به راستی با وجود خداوندی که قدرت دارد به انسان شایسته ای این همه نیرو و توان بخشد جای این نیست که احدی از لطف او مأیوس گردد و این نه تنها مایه تسلی خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان مکه در آن روز بود که سخت در فشار بودند، بلکه مایه تسلی همه مؤمنان در بند در همه اعصار و قرون. ۱۸ صبر و پایداری در قبال جنگ های روانی دشمن یعنی متأثر نشدن و نپذیرفتن پیام های دو گانه، حق به جانب، قرار دادن الفاظ زیبا در قالب های جذاب و طراحی عوام فریبانه و بکار بستن آن با شیوه های مختلف است که جبهه باطل در هر عصر و زمانی از آن بهره می گیرد. همچنین پایداری و استقامت در قبال جنگ های روانی دشمن یعنی باقی ماندن در صحنه اندیشه و عمل توحیدی والهی، که پیامبر اکرم (ص) به زیبایی هرچه تمام تر، ایفای نقش نمودند.

آیه پنجم: صبر در اقامه نماز

و أمر أهلک بالصلاة واصطبر علیها لا نستلک رزقا نحن نرزقک و العاقبه للتقوی

(طه، ۲۰ / ۱۳۲)

و خانواده خود را به نماز دستور ده و برانجام آن شکیبا باش ما از تو روزی نمی خواهیم بلکه ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای تقوا است.

نماز پرچم عبودیت، سرود آزادگی، گفتار عاشقانه بین عاشق و معشوق، رهایی انسان از وابستگی است تا به پیمان الهی عمل شود و هر کس خود را به کاروان تسیح کنندگان خداوند برساند. نمازگزار در سایه نماز به نیاز فطری خود پاسخ می گوید و از این رو آرامش قلبی یافته و فریادگر صلاح در زمین گشته و پس از تطهیر، به آمران به معروف و

ناهیان از منکر می پیوندد .

خدای مهربان در آیه فوق ، پیامبر (ص) را مورد خطاب قرار داده و می فرماید : پس تو اضافه براینکه خودت اهل نماز و عبادت هستی اهل خانه ات را هم به خواندن نماز ، مأمور کن و خود نیز برای خواندن و به پاداش آن صبور و شکیبا باش ... هنگامی که این آیه شریفه نازل شد ، پیامبر عالیقدر اسلام (ص) مدت ۹ ماه برای خواندن هر نماز بر در خانه فاطمه و علی (ع) می آمد و به ایشان می فرمود : وقت نماز است ، خدا شما را رحمت کند :
إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳ / ۳۳)
یعنی جز این نیست که خدا اراده کرده ، رجس یعنی پلیدی و آلودگی به گناه را از شما که اهل بیت من هستید بر طرف نماید .

حضرت امام باقر (ع) در این باره می فرماید :

خدای سبحان پیامبر اسلام (ص) را بدین لحاظ مأمور کرد ، فقط خاندان خود را به نماز امر کند تا مردم بدانند ، خاندان آن بزرگوار نزد خدای دارای مقام و منزلتی هستند که دیگر مردمان نیستند . لذا از طرفی ، خاندان پیامبر را با عموم مردم به خواندن نماز مأمور فرموده و از سوی دیگر ، ایشان را در اینجا به نحو خصوصی به خواندن نماز موظف فرموده است .^{۱۹}

نتیجه اینکه ، نماز سمبل و نشانه عبودیت است و گسترش این عمل در سطح جامعه نیازمند صبر و پایداری است . در حقیقت فرهنگ سازی نماز برای پیروان مکتب اسلام در عصر پیامبر (ص) و اعصار آینده می باشد . و این مهم از درون خانواده شروع و در اجتماع گسترش می یابد و این امر نیازمند پایداری و تداوم عمل به نماز است تا جایی که پیامبر (ص) مطابق حدیث مذکور ، ۹ ماه به فاطمه زهرا (س) و علی (ع) این پیام را یادآور می شدند تا اهمیت و گسترش فرهنگ نماز که پرچم عبودیت در بین مسلمین است برای همیشه تاریخ برافراشته باشد .

آیه ششم : صبر یعنی صبر زیبا

فاصبر صبیرا جمیلا (معارج ، ۵/۷۰)

پس صبر کن از استهزاء کفار و منافقین ، صبری نیکو بدون شائبه شکایت و جزع .

اولا مقام صبر، مقام بسیار عالی است که می فرماید: **إنما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب** (زمر، ۳۹ / ۱۳) و ثانیاً، صبر سه قسم است، صبر بر بلا، صبر بر مشقت عبادات و صبر بر جلوگیری نفس از معاصی، قسم اول سیصد درجه ثواب، قسم دوم ششصد درجه و قسم سوم نهصد درجه، ولیکن به یک اعتبار صبر دو قسم است، یک قسم صبر بر چیزهایی است که از اختیار خارج است مثل صبر بر بلیات و مصائب وارده، و صبر بر چیزهایی که در اختیار او است مثل صبر بر زحمت عبادت و ترک هوای نفس. و صبر جمیل صبر بر اذیت و ظلم که در مقام تلافی بر نیاید. خداوند امر می فرماید پیغمبر اکرم (ص) را که تحمل کند اذیت های کفار، مشرکین، منافقین و معاندین را که نسبت به آن حضرت چه اهانت ها و جسارت ها و اذیت ها و ظلم ها روا داشتند، می فرماید: «فاصبر» تحمل فرما، بر آنها غیظ و غضب نکن و در مقام تلافی برنیا. «صبرا جمیلاً» خداوند از آنها انتقام خواهد کشید و حضرتش آنقدر تحمل نمود که پس از هجرتش هم در مقام تلافی آنها برنیامد، حتی جهادهای با آنها که اغلب دفاعی بوده، آنها می آمدند به کشتن او و اصحاب او، در باب جهاد دستور داد که اگر آنها دست از قتال برداشتنند یا برگشتند یا حربه های خود را انداختند، متعرض آنها نشوید حتی در فتح مکه تمام آنها را عفو فرمود. ۲۰ جهت تبیین صحیح آیه مذکور، لازم است اشاره ای به آیات قبل و شأن نزول آن نموده تا دلیل امر پروردگار به صبر جمیل روشن تر شود. در آیات ما قبل آیه «فاصبر صبرا جمیلاً» چنین آمده است: «تقاضا کننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! این عذاب مخصوص کافران است و هیچکس نمی تواند آن را دفع کند. از سوی خداوند ذی المعارج است (خداوندی که فرشتگانش برآسمان ها صعود می کنند) فرشتگان و روح (فرشته مخصوص) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است. بنابراین صبر جمیل پیشه کن.»

بسیاری از مفسران و ارباب حدیث، شأن نزولی برای این آیات نقل کرده اند که حاصل آن چنین است: هنگامی که رسول خدا (ص) علی (ع) را در روز غدیر خم به خلافت منصوب فرمود و درباره او گفت: «هر کس من مولی و ولی او هستم، علی مولی و ولی اوست» چیزی نگذشت که این مساله در بلاد و شهرها منتشر شد. «نعمان بن حارث» خدمت پیامبر (ص) آمد و عرض کرد تو به ما دستور دادی شهادت به یگانگی خدا و اینکه تو فرستاده

او هستی دهیم ما هم شهادت دادیم ، سپس دستور به جهاد و حج و روزه و نماز و زکات دادی و ما همه اینها را نیز پذیرفتیم اما به اینها راضی نشدی تا اینکه این جوان (اشاره به علی^(ع)) است را به جانشینی خود منصوب کردی و گفتی : «من کنت مولاه فعلی مولاه» آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا از سوی خدا؟! پیامبر^(ص) فرمودند : قسم به خدایی که معبودی جز او نیست این از ناحیه خدا است . «نعمان» روی برگرداند در حالی که می گفت : خداوندا اگر این سخن حق است و از ناحیه تو ، سنگی از آسمان بر ما بیارد! اینجا بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت . همین جا آیه: **سأل سائل بعذاب واقع . للکافرین لیس له دافع** (معارج، ۱/۷۰-۲) نازل گشت . ۲۱

لذا صبر جمیل به معنی «شکیبایی زیبا و قابل توجه» است و آن صبر واستقامتی است که تداوم داشته باشد ، یأس و نومییدی به آن راه نیابد و توأم با بی تابی و جزع و شکوه و آه و ناله نگردد و در غیر این صورت صبر جمیل نیست . ۲۲

بنابراین ، مطابق مفاهیم فوق ، خداوند سبحان ، پیامبر اعظم^(ص) را به صبر جمیل امر فرموده تا اینکه عذاب های اخروی برای مجرمان ، کفار و منافقین که به زودی نیز عملی می گردد ، آشکار شود ، بنابراین پیامبر^(ص) در انجام رسالت خویش صبر جمیل را به زیبایی هرچه تمامتر معنا بخشیدند .

آیه هفتم : صبر در تبلیغ و اجراء

فاصبر لحکم ربک و لا تطع منهم أثماً او کفوراً (انسان، ۲۴/۷۶)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا باش و از هیچ گنهکار و کافری از آنان اطاعت مکن .

تبلیغ و پیام رسانی الهی در حقیقت تشریح ابعاد گسترده و عمیق فرهنگ الهی در جامعه است تا بتوان مردم را از راههای کفرآمیز به سوی توحید ، از فساد به پاکی ، از ظلم به عدالت و برادری ، از انحراف به حقیقت و کمال ، از جهالت به سوی علم و معرفت ، از خباثت باطنی به طهارت نفسانی و کمال الهی ، از بردگی و اسارت به سوی آزادی و جوانمردی ، از تجاوز به حقوق دیگران به سوی رعایت حقوق دیگران ، از ذلت به سوی عزت سوق داد . انجام چنین کارهای بزرگی محتاج دگرگونی فرهنگی جوامع می باشد و

در واقع فرهنگ سازی در سطوح فردی، گروهی، اجتماعی و بین المللی در حال و آینده را رقم می زند، کار عظیم و سنگینی است که سخت محتاج صبر و استقامت می باشد. و این درحالی است که بسیاری بخاطر منافع مادی خویش، با تمام قوا با پرچمداران فرهنگ الهی و جبهه حق مقابله می کنند، لذا پایداری در چنین وضعیتی بسیار دشوار خواهد بود. در آیه فوق دستور به استقامت، فرع بر نزول قرآن از سوی خداوند می باشد یعنی چون پشتیبان تو خدا است قطعاً در این راه استقامت کن. صبر و استقامت در برابر هجوم این مشکلات عظیم کار آسانی نیست، لذا نباید از انبوه مشکلات راه وحشت کرد، چرا که هدایت یک جمعیت به خصوص زمانی که در مقابل انسان، افراد ناآگاه و دشمنان لجوج وجود داشته باشند همیشه توأم با مشکلات عظیم بوده و هست و اگر صبر و استقامت رهبران نباشد هیچ رسالتی به ثمر نمی رسد. و در مرحله بعد، باید در برابر وسوسه های شیاطینی که مصداق اثم و کفورند و با انواع حیل و تزویر سعی در منحرف ساختن رهبران و پیشوایان می کنند تا رسالت آنها عقیم ماند، با کمال قدرت مقاومت کنند نه فریب تطمیع بخورند و نه واهمه ای از تهدید به خود راه دهند.^{۲۳}

بنابراین پیامبر خدا (ص) در تبلیغ و اجرای احکام اسلام با موانع، مشکلات، تهاجمات فرهنگی و جنگ روانی که دشمنان ایجاد می کردند توانستند به بهترین وجه ممکن هم با آنان مقابله کنند و هم فرهنگ الهی اسلام را ترویج، گسترش و تعمیق بخشند و چنین اقدام مهمی جز استقامت و ثبات قدم بی نظیر ایشان که همراه با رفتار صادقانه و پاک بود موجب اعتماد عموم و خواص گردید و با پشتوانه الهی توانستند فرهنگ سازی اسلامی را به گونه ای انجام دهند که تا کنون نیز ساری و جاری است و تا همیشه باقی خواهد ماند.

آیه هشتم: صبر تا تحقق وعده الهی

فاصبر إن وعد الله حق ولا يستخفك الذين لا يوقنون (روم، ۳۰ / ۶۰)

پس تو صبر کن که وعده خدا درست است و آن کسان که یقین ندارند، تو را به سستی وادارند.

از جمله حقایق قطعی و یقینی این است که، آنچه را خداوند سبحان وعده فرموده هم حق است و هم به صورت حتمی و قطعی محقق می شود و خداوند این مفهوم را سه بار در

قرآن کریم به صراحت ذکر فرموده است: **فاصبر إن وعد الله حق؛ و فاصبر إن وعد الله حق** و استغفر لذنبک (غافر، ۴۰ / ۵۵)؛ **فاصبر إن وعد الله حق**. (غافر / ۷۷) لذا جهت استنباط بهتر آیه فوق لازم است نگاهی اجمالی به سوره روم داشته باشیم.

بیان آیات این سوره با وعده ای از خدا آغاز شده و آن این است که به زودی امپراطوری روم که در ایام نزول این سوره از امپراطوری ایران شکست خورد، پس از چند سال بر آن امپراطوری غلبه خواهد کرد و بعد از ذکر این وعده، منتقل می شود به وعده گاه اکبر که قیامت و یوم الوعدش گویند، روزی که تمامی افراد و اقوام در آن روز به سوی خدا باز می گردند... و در آخر، سوره را با وعده نصرت به رسول گرامی اش ختم می کند و در فرا رسیدن به این وعده تأکید بلیغ نموده و می فرماید: **فاصبر إن وعد الله حق ولا يستخفنک الذین لا یوقنون؛ صبر کن که وعده خدا حق است و کسانی که یقین ندارند، تو را در کارت سست نسازند.** ۲۴

این آیه دو دستور مهم و یک بشارت بزرگ به پیامبر گرامی (ص) می دهد تا او را در این مبارزه پی گیر و مستمر در برابر این لجوجان جاهل و بی خردان سرسخت به استقامت دعوت کند. نخست می گوید: اکنون که چنین است در برابر همه حوادث، همه آزارها و کارشکنی ها و نسبت های ناروا، شکیبایی و صبر پیشه کن (فاصبر) که شکیبایی و صبر کلید اصلی پیروزی است و برای اینکه پیامبر را در این راه دلگرم تر کند می افزاید: وعده خدا به طور مسلم حق است (إن وعد الله حق). او به تو و مؤمنان وعده پیروزی و خلافت در ارض و غلبه اسلام بر کفر و نور بر ظلمت و علم بر جهل داده است. و به این وعده جامه عمل می پوشاند... از جمله در همین سوره آیه ۴۷ می خوانیم: **و کان حقاً علینا نصر المؤمنین؛ همواره یاری مؤمنان حقی بر ما بوده و هست.** و در آیه ۵۱ سوره غافر آمده است: **انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیاه الدنیا ویوم یقوم الاشهاد؛ ما رسولان خود و مؤمنان را در زندگی این دنیا و در روز قیامت که گواهان پیا می خیزند یاری می کنیم.**

دومین دستور، دستور به تسلط به اعصاب و حفظ متانت و آرامش و به اصطلاح از جا در نرفتن در این مبارزه سخت و پی گیر است. می فرماید: هرگز نباید کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین و عصبانی کنند: **ولا يستخفنک الذین لا یوقنون.** وظیفه تو بردباری و تحمل و حوصله هرچه بیشتر و حفظ متانتی که شایسته یک رهبر در برابر این گونه افراد

است، می باشد. «لا یتخفک» از ماده «خفت» به معنی سبکی است یعنی آنچنان سنگین و پابرجا باش که این افراد نتوانند تو را سبک بشمرند و از جا تکان دهند، در مسیرت استوار و محکم بایست، چرا که آنها یقین ندارند و تو کانون یقین و ایمانی.^{۲۵}

آیه نهم: پیروزی متقین در سایه استقامت

تلك من أبناء الغيب نوحیها إلیک ما کنت تعلمها أنت ولا قومک من قبل هذا فاصبر

إن العاقبة للمتقین (هود، ۱۱ / ۴۹)

اینها همه خبرهای غیبی است که ما آن را به تو وحی می کنیم، به شهادت اینکه در سابق از آنها خبری نداشتی نه تو و نه قومت، پس صبر پیشه گیر که عاقبت از آن مردم با تقوا است.

یکی از مسائل مهم در تلاش های بشری، بدست آوردن نتایج مفید و قطعی است و انسان در صورتی که به این مساله یقین پیدا کند فعالیت های خویش را با انگیزه بهتر و امید به موفقیت بیشتر تداوم می بخشد. بر این اساس خداوند سبحانه پیامبر بزرگوار را به نتایج موفقیت حتمی متقین در سایه صبر و استقامت متذکر می گردد و این مساله را با تبیین داستان های واقعی از زندگی گذشتگان روشن می سازد.

ای پیامبر حال که فهمیدی کار نوح و قوم او به کجا انجامید و چگونه قومش هلاک شدند و خود و مؤمنین همراهش نجات یافتند و خدای تعالی ایشان را به خاطر صبرشان، وارثان زمین قرار داد و حال که فهمیدی، اگر خدای تعالی نوح را بر دشمنانش نصرت داد به خاطر صبوری بود که او کرد، پس تو نیز در برابر حق صبر کن که سرانجام نیک از آن افراد و اقوام با تقوا است و دارندگان تقوا همان هاینده که در راه خدا صبر می کنند.^{۲۶}

صاحب تفسیر آسان طی مقایسه ای بین قوم نوح و کفار قریش به روایتی که در حقیقت

تفسیر امام علی (ع) درباره آیه فوق می باشد چنین نگاشته است:

خدای مهربان به وسیله این آیه شریفه به پیامبر (ص) تسلیت و دلداری می دهد و می فرماید: ناراحت مباش، زیرا همانطور که قوم نوح به علت کفر و زندقه نابود و معذب شدند کفار و مشرکین قریش هم به همین جهت هلاک و معذب خواهند شد. و همانطور که خود نوح از شر آنان نجات یافت تو نیز از شر اینان خلاص

خواهی شد. یا محمد(ص) تو و قوم تو قبل از این، از داستان نوح و قوم او آگاه نبودید و ما حقیقت آن را به تو وحی کردیم (ما کنت تعلمها أنت و لا قومک من قبل هذا) پس اکنون که از نابودی قوم نوح و پیروزی آن بزرگوار آگاهی یافتی، شکیبیا و با تقوا باش که یقیناً پیروزی با افراد متقی و پرهیزکار خواهد شد. فاصبر
إن العاقبه للمتقين . ۲۷

حضرت امام حسین(ع) می فرماید :

یکی از احبار و دانشمندان یهودیان شام به حضور حضرت علی بن ابیطالب(ع) آمد و گفت : هنگامی که نوح برای ذات مقدس خدا صبر و استقامت نمود و مورد تکذیب قرار گرفت با قوم خود سازش نمود. (و این خود یک نوع فضیلتی است برای آن بزرگوار). علی(ع) در جوابش فرمودند: آری همین طور است که تو می گویی. حضرت محمد(ص) هم برای ذات مقدس خداوند صبر کرد، و هنگامی که مورد تکذیب قرار گرفت با قوم خویش مدارا نمود، رانده شد، سنگ باران گردید و ابو لهب بچه دان ناقه را بر سر مبارکش فرو ریخت. بعداً خدای مهربان به جابیل که فرشته کوه هاست وحی کرد: کوه ها را بشکاف و به سوی محمد(ص) برو، هنگامی که آن فرشته نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: من مأمورم که مطیع تو باشم اگر امر کنی من کوه ها را بر سر کفار فرو می ریزم و آنان را نابود می کنم. پیامبر(ص) در جوابش فرمود: «انما بعثت رحمة، رب اهد امتی، فانهم لا يعلمون» یعنی من مبعوث شده ام (که برای مردم) رحمت باشم، پروردگارا امت مرا هدایت کن زیرا نادانند. ۲۸

آیه دهم: استقامت، مأموریت پیامبر(ص)

فاستقم كما أمرت ومن تاب معك ولا تطغوا إنه بما تعملون بصير (هود، ۱۱/۱۱۲)

پس ای رسول ما، تو چنانکه مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو، به خدا رجوع کرد (نیز پایدار باشد) و هیچ از حدود الهی تجاوز نکنید که خدا بهره چه شما می کنید بصیر و دانا است.

جهت بهره مند شدن بهتر و بیشتر از آیه فوق به بوستان تفاسیر قرآن کریم رفته و درباره

این آیه خوشه چینی می نمایم .

در تفسیر مجمع البیان در این باره ، فرازهای زیبایی را برگزیدیم :

ای محمد(ص) بر موعظه و بیم دادن و تمسک به طاعت حق و امر و دعوت بدان پایدار باش . و استقامت ، همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات الهی است .

ابن عباس گفته ، یعنی کسانی هم که به پیروی از تو از شرک و بت پرستی بازگشته اند باید استقامت ورزند و پایداری کنند ، چنانچه مأمور هستند . و دیگری گفته ، یعنی کسی که به سوی خدا و پیغمبرش بازگشته و متوجه شده ، باید استقامت ورزد یعنی مؤمنان نیز باید پایداری کنند .

قول دیگر آن است که تو باید نسبت به ادای رسالت ، استقامت ورزی مؤمنان نیز در مورد قبول و پذیرش آن استقامت داشته باشند «ولا تطغوا» یعنی با کم و زیاد کردن آن از امر و فرمان خدا تجاوز نکنید که از حد استقامت خارج شوید .

جبائی گفته : یعنی نعمت و آسایش ، شما را به طغیان وادار نکند که از حد استقامت خارج گردید .^{۲۹}

صاحب تفسیر انوار درخشان ، آیه فوق را از زاویه ای دیگر چنین مورد کنکاش قرار

داده است :

آیه فوق مبنی بر دستور و برنامه انفرادی و خطاب به رسول گرامی(ص) است به اینکه در مقام انجام وظایف رسالت و تبلیغ احکام ، همچنین به التزام به آنها بر حسب صورت اعتقادی و خلقی و عملی باید ثابت و مستقر باشی و پیوسته به وظایف رسالت و به حقایق عبودیت قیام نمایی زیرا دعوت جهانیان به دین اسلام و مبارزه با دنیای شرک و کفر ، جز رسول گرامی(ص) به این چنین وظیفه ای نمی تواند قیام نماید . (ومن تاب معک) ایمان و تقوی ، اساس توبه و به حقیقت ، رجوع به سوی پروردگار است . همچنین اهل ایمان که به تو گرویدند و دعوت تو را پذیرفته و از برنامه مکتب قرآن پیروی می نمایند ، آنان نیز هر یک به قدر سعه وجودی خود از تعلیمات رسول گرامی(ص) استفاده نموده باید و فادار باشند .^{۳۰}

صاحب تفسیر خسروی ، استقامتی که در آیه فوق به آن امر شده است را مرتبه ای بس

عالی و شامخ می داند و ادله استقامت را چنین بر می شمرد:

۱. به طوری که در قرآن کریم وارد است (استقامت) مقتضی ایمان به غیب است، به طور کلی و کامل و عدم اختلاف و پراکندگی در اساس دین و اصولی که خداوند؛ متخلف از آنها را وعده هلاک و عذاب داده است.

۲. استقامت اقتضاء دارد که مؤمن به آنچه از عبادت و معاملات در کتاب کریم به آن امر شده است، ملتزم باشد و در موقع بروز نزاع و اختلاف به احکام آن متوسل گردد که فرمود: فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول (نساء، ۵۹/۴)

۳. استقامت از آن جهت مرتبه عالی بشمار می آید که خدای متعالی با اینکه پیامبر (ص) بر استقامت مستقیم بوده است معذک نی خود را به آن امر فرموده است و پیغمبران پیشین، موسی و هارون (ع) را نیز به آن امر نموده، زیرا استقامت طریقه واقعی رستگاری است، آنجا که فرموده: قد اجیت دعوتکما فاستقیمما ولا تتبعان سبیل الذین لا یعلمون (یونس، ۱۰/۸۹) و نیز فرمود: الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکة الا تخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنة التي کنتم توعدون. (فصلت، ۳۰/۴۱)

۴. استقامت تطبیق دادن عمل است با روح دین و کرامتی است که خدای تعالی پاره ای از مخلصین بندگان خود را به آن تخصیص داده است. ۳۱

استراتژی استقامت

از مجموع آیات قرآن، درباره صبر و استقامت پیامبر چنین می توان نتیجه گرفت که ایشان با توجه به شرایط بسیار دشوار توانستند رسالت جهانی خود را به عنوان رسول خاتم (ص) به زیباترین وجه ممکن به اجرا گذارند تا از این زاویه و دریچه نیز اسوه ای حسنه برای مؤمنین همیشه تاریخ باشند و از طرفی نتیجه این صبر و استقامت بی نظیر، پیروزی حتمی مکتب نجات بخش اسلام در آن عصر تا کنون و تا همیشه تاریخ رقم خورده است. لذا می توان چنین نتیجه گرفت که استقامت یک اصل استراتژیک و سیاست پایداری است که بنیانگذاری آن به امر خداوند سبحان به دست مبارک پیامبر (ص) پی ریزی و اجرا گردیده است، تا انسان های مؤمن در هر سطح علمی و عملی که باشند بتوانند به صورت فردی، گروهی و جمعی و بین المللی از آن استراتژی بهره برده و در تمام مراحل زندگی و

موضوعات مبتلا به امت اسلامی آن را به درستی فهمیده و بکار برند تا در سایه آن بتوانند تکالیف الهی را جامه عمل پوشانده و خود را مزین به صفت استقامت نمایند. یعنی در قبال هواهای نفسانی، جاذبه‌های دنیا، فشارها و نقشه‌های دشمنان داخلی و خارجی با استعانت از خدای بزرگ و الگوی گیری از رسول گرامی (ص)، استقامت را معنی کنند تا به پیروزی حتمی و قطعی دست یابد.

-
۱. معین، محمد، فرهنگ، معین / ۲۳۶ و ۷۱۸.
۲. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ۲۱ / ۷۷.
۳. طبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ۲ / ۱۳۶.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۷ / ۳۰۲.
۵. تفسیر المیزان، ۲۱ / ۷۸.
۶. میرزا خسروانی، علی رضا، تفسیر خسروی، ۴ / ۳۳۴.
۷. کاشانی، ملا فتح الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۸ / ۳۳۳.
۸. تفسیر نمونه، ۲۱ / ۳۹۴.
۹. تفسیر المیزان، ۱۸ / ۳۳۱.
۱۰. تفسیر نمونه، ۲۱ / ۳۹۹.
۱۱. همان / ۴۰۱.
۱۲. همان، ۵ / ۲۰۹.
۱۳. حسینی همدانی، سید محمد، تفسیر انوار درخشان، ۵ / ۲۸۹.
۱۴. بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع، ۲ / ۳۰۲.
۱۵. تفسیر نمونه، ۵ / ۲۱۳.
۱۶. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، ۲ / ۸۰.
۱۷. تفسیر المیزان، ۱۲ / ۵۴۱.
۱۸. تفسیر نمونه، ۱۹ / ۲۴۱.
۱۹. نجفی، محمد جواد، تفسیر آسان، ۱۲ / ۱۴۹.
۲۰. طیب، سید عبد الحسین، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳ / ۱۸۴.
۲۱. تفسیر نمونه، ۲۵ / ۷.
۲۲. همان / ۱۷.
۲۳. همان / ۳۷۶.
۲۴. تفسیر المیزان، ۱۶ / ۲۳۲.
۲۵. تفسیر نمونه، ۱۶ / ۴۸۹.
۲۶. تفسیر المیزان، ۱۰ / ۳۶۲.
۲۷. تفسیر آسان، ۷ / ۲۹۹.
۲۸. همان.
۲۹. مجمع البیان، ۱۲ / ۱۳۶.
۳۰. انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۸ / ۵۲۳.
۳۱. تفسیر خسروی، ۴ / ۳۳۴.